



ماهنامه فرهنگی دانشجویی

سال دهم، شماره ۱۰۰، آذر ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز

مدافع محرم

مدافع عشق
یاس در قفس
انگشتر شکسته



السلام عليك يا زينب الكبرى



ماهنامه فرهنگی دانشجویی
سال دهم، شماره ۱۵۵، آذرماه ۱۴۰۱
صاحب امتیاز: مجمع یادواره شهدای دانشجویان دانشگاه شیراز
شماره مجوز: ۲۵۹/ک ن ش

مدیر مسئول:

فاطمه کریمی

سر دبیر:

زهرآخامرادی

اعضای هیئت تحریریه:

بهرخ قادری، مریم اقتداری، فاطمه مصلی نژاد، فاطمه امیری، نگین نوروزی، فاطمه مددی، فاطمه مرادپور جغداری

ویراستار:

فاطمه کریمی

صفحه آرایی:

فاطمه فیلوندی

باتشکر از:

سرکار خانم حمیده سیاح پور



eitaa.com/myshohada



[instagram.com/myshohada](https://www.instagram.com/myshohada)



فهرست

۶ بسیج، مدرسه عشق

۷ مدافع عشق

۸ ایمان مریم

۹ یاس در قفس

۱۰ انگشتر شکسته

۱۱ نوع نگاه به زن در اسلام

۱۲ دیدار نگار

تقدیم به

شهدای گمنام



بسمه تعالی

رسم دیدار با خانواده شهدا مراسمی است که از سال ۱۳۷۹ توسط ۵-۶ نفر از دانشجویان دانشگاه شیراز کلید خورد و به برکت خون شهدا تا به امروز ادامه داشته و دانشجویان زیادی مشتاقانه از این مراسم باصفا و سرشار از صمیمیت و برکت، استقبال می‌کنند.

دیدار تبدیل شد به فرهنگی که یاد و خاطره شهدا، ایثار و از خودگذشتگی، خدمت به جامعه و قدردانی را در نسل دانشجویان دانشگاه شیراز زنده نگاه داشته است.

در همین راستا فضایی دانشجویی ایجاد شد برای تفکر و اندیشه، جریان یافتن دغدغه فرهنگی در افکار و فرصتی برای دست به قلم شدن و مکتوب کردن.

انسان آمیزه‌ای از عقل و احساس است. با ابزار تفکر پیش می‌رود و به کمال عقلانی می‌رسد. تفکر، زیربنای حرکت تکاملی انسان در مسیر دین و بندگی خداوند تلقی می‌شود. خداوند به ارزش قلم و رسالت والای آن در قرآن کریم قسم یاد کرده و ارزش قلم نه تنها در این است که اظهار قلبی و آگاهی فردی را ماندگارتر می‌کند بلکه دست بردن به قلم خود به تنهایی انسان را وادار به کسب آگاهی می‌کند و از پرتگاه بی تفاوتی نجات می‌دهد و حیطةی اثر تفکر و اندیشه را چنان گسترده می‌کند که گاه توانسته ملتی را نجات دهد و جامعه‌ای را زنده کند.

تلاش ما در «دیدار» بر این است که دانشجویان قلم تفکر و دغدغه‌ی خود را به تحریر درآورد.

همچنین در هر شماره تلاش می‌شود گوشه‌ای از رشادت‌ها، خصوصیات، مرام، رفتار و سیره‌ای از زندگی شهدا مکتوب گردد.

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ
وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

رهبر معظم انقلاب اسلامی تشکیل بسیج را از مهم‌ترین و بزرگترین ابتکارات امام خمینی خواندند و فرمودند: بسیج در جایگاه و شأنی بالاتر از یک سازمان نظامی، و در واقع یک فرهنگ و تفکر و گفتمان است که ظرفیت دارد کشور را در حرکت عظیم ملت، با گام‌های بلند به پیش ببرد. ایشان تبدیل تهدیدها به فرصت را از ملکات خدادادی امام خمینی برشمردند، همچنین فرمودند: امام خمینی بسیج را مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنام می‌خواند و با وجود برخوردارگی از عظمتی که دنیا و تاریخ را تکان داد، بسیجی بودن را افتخار خود بر می‌شمرد و دست یکایک بسیجیان را می‌بوسد. بسیج در نگاه امام فقط مربوط به میدان نظامی نیست بلکه بسیجی باید در همه میدان‌ها از جمله عرصه علم دین و علم مادی حضور داشته باشد. رهبر انقلاب فرمودند که یکی از ویژگی‌های بسیجی این است که بدون داشتن حتی انتظار تشکر، وارد میدان جهاد و خدمت می‌شود و خطرات آن را به جان می‌خرد. فرهنگ بسیجی، فرهنگ مجاهدان گمنام است که بدون چشم‌داشت و با خطرپذیری، از همه وجود خود برای خدمت به کشور مایه می‌گذارند و برای رهایی بخشیدن دیگران مظلوم واقع می‌شوند، همچنان که در قضایای اخیر، بسیجیان مظلومانه در عرصه بودند تا ملت در مقابل اغتشاشگران و عناصر غافل یا مزدور دچار مظلومیت نشود. از دیگر ویژگی‌های بسیجی «پرهیز کامل از ناامیدی در هر شرایط» است؛ برخلاف برخی سخنان روشنفکری، انقطاع نسلی در بسیج وجود ندارد و بسیجیان نوجوان و جوان امروز با وجود اینکه امام و دفاع مقدس را ندیده‌اند همچون دهه شصتی‌ها با همان روحیه در میدان کار و تلاش و جهاد هستند.

همچنین ایشان فرمودند که انقلاب با دادن امید، روحیه ضداستعماری و ضداستبدادی را در ملت آزاد کرد و در پرتو حضور امام خمینی که به ملت روح و جان می‌داد استعداد فرهنگ و تفکر بسیجی شکوفا شد و ایشان تأکید کردند: به لطف خداوند این یادگار امام، امروز در کشور و جهان اسلام فعال است و در آینده هم باقی خواهد ماند و ثمرات آن دیده خواهد شد.

انقلاب اسلامی، هویت وابستگی کشور را تبدیل به «هویت استقلال و استحکام و روحیه روی پای خود ایستادن و از موضع قدرت حرف زدن و باج ندادن»، کرد و این تفکر طبعاً در ایران منحصر نماند و در منطقه اثر گذاشت.

ایشان با تأکید بر اینکه میدان رزم بسیج چنین میدان وسیع و عمیقی است نه فقط مبارزه با چند اغتشاشگر خیابانی، افزودند: البته این به معنای



صرف نظر کردن بسیج از مقابله با اغتشاشگران نیست چرا که آن مسئله نیز باید علاج، و هر اغتشاشگر و تروریستی مجازات شود اما بسیجی باید قدر خود و بسیج را بداند و محدود به کارهای جزئی نشود و بداند که اغتشاشگر نیز سرانگشت همان دستی است که در آن نقشه بزرگ شکست خورده و اینجا به میدان آمده است، همچنین بسیج فراموش نکند که مبارزه و درگیری اصلی با استکبار جهانی است و این چند نفر، غافل یا جاهل یا بی‌اطلاع و دارای تحلیل غلط، و یا مزدور هستند.

رهبر انقلاب در بخش پایانی سخنان‌شان به بیان چند توصیه به بسیجیان پرداختند: «بسیجی بمانید و روحیه و ایمان بسیجی را در خود حفظ کنید»، «قدر خود را بدانید البته خاصیت بسیجی تفاخر نکردن است اما قدر این توفیق خدادای را بدانید»، «دشمن و نقاط ضعف و نقشه‌های آن را بشناسید و در مقابل دشمنی که با بزرگ و قوی جلوه دادن خود به دنبال غافلگیر کردن شما است، هوشیار باشید»، و «رشد معنوی خود را مراقبت و اندازه‌گیری کنید». امروز مهم‌ترین شیوه بدخواهان، جعل و دروغ پردازی به وسیله تلویزیون‌هایشان یا فضای مجازی است، درمقابل این شگرد با عمل به وظیفه جهاد تبیین، «روشن‌بینی خود را افزایش دهید» و اجازه ندهید دشمنی که بیش از تسلط بر سرزمین‌ها به دنبال تسلط بر مغزها است، به این هدف دست یابد. و توصیه دیگر اینکه «امادگی عملی خود را حفظ کنید و غافلگیر نشوید». توصیه آخر اینکه «سست نشوید و غمگین نگردید، شما برترید اگر ایمان داشته باشید».

صدایی وارد اتاق واژه‌ها می‌شود. به چند کلمه چنگ می‌زند و در دهان می‌گذارد تا خودش را معرفی کند.
صدایی وارد اتاق واژه‌ها شده است و این شاید آه قهرمانی باشد در هنگام اعدامی ظالمانه، یا گریه‌ی قطره‌ای در آغوش دریا یا شاید مدافع حرمی...
گاهی سکوت می‌کنم و فریاد درونم را می‌شنوم. من در خیال خودم شاعرم و هنرمند؛ چون خیال حرف زدن بلد نیستم و مرتب نقاشی می‌کند، اما حقیقت نه! حقیقت آن قدر شاعر است و هنرمند که در برابرش آئینه‌ای بیش نیستم.
چه‌گونه بگویم؟ چه تعریفی از تو داشته باشم که به کام خواننده خوش



آید؟ وقتی او، بانوی صبر و مهربانی شما را نوازش می‌کند، یکی را برای همیشه کنار خود نگه می‌دارد و دیگری را چنان در اقیانوس عشق خود غرق می‌کند که او حاضر است غربت را به جان بپذیرد...
همیشه دوست داشته‌ام که از خودم بنویسم و خودم قهرمان نوشته‌هایم باشم. شاید این خودخواهی باشد اما تو حق داری که بخواهی قهرمان تمام نوشته‌ها باشی.
گمان نکنی که سرو خواسته نزدیک تر به معشوق تو باشد نه! او فقط خواسته سایه‌ساری برای تو باشد اما حال دیده تو خود آن قدر قدت از نردبان‌های زمین بالا می‌رود که کل جهان را سایه انداخته‌ای... پس حرفی ندارد برای گفتن.
تو را زینب (س) در آغوش گرفته و به تو بال پرواز داده است.
ای قهرمان! ای مدافع حرم! به تو حسادت شود جای شگفت نیست. خود را ببین! چون دماوند شده‌ای بر بلندای این کشور...

ایمان مریم

صدایی از سالن به گوش می‌رسد. دوباره سراغ گیتارش رفته و دارد قطعه‌ای می‌نوازد. من و دلارام نگاهش می‌کنیم. خیلی جدی به نظر می‌رسد خم شده روی ساز و با تمرکز زیاد تمرین می‌کند. دلارام پرسید: چرا ادما غمگین می‌شن؟

- چون تنها میشن
دلارام بدون مکث می‌پرسد: چرا تنها می‌شن؟

- چون خدا رو فراموش می‌کنن
می‌پرسد: چرا خدا رو فراموش می‌کنن
- چون فقط به خودشون فکر می‌کنن.
به خودشون مشغول می‌شن

رمان ایمان مریم تازه ترین اثر بیژن کیا با الهام از زندگی شهید مدافع سلامت مریم رحیمی است. ایمان مریم با تصویرگری منحصر به فرد از زبان شهید و همسر و نوزادش و برخی شخصیت‌هایی که مخلوق ذهن نویسنده در رمان هستند، روزهای بعد از شهادت این پرستار سختکوش را روایت می‌کند. مریم رحیمی پرستار ۲۷ ساله‌ای بود که با وجود بارداری دفاع از سلامت را رها نکرد و همچنان مشغول خدمت رسانی به بیماران در روزهای کرونایی بود. مریم رحیمی به توصیه پزشکان نوزاد شش ماهه‌اش را زودتر از موعد مقرر به دنیا آورد.

مریم رحیمی دو روز بعد از تولد فرزندش درگذشت. و فرزند او (دلارام) پس از چند روز دوری به مادرش پیوست. رمان ایمان مریم یک رمان چند صدایی است که از روز بعد از شهادت شهید مریم رحیمی آغاز شده است. قالب‌هایی چون روایت، زندگی‌نامه، خاطره در کتاب‌های شهدا معمول‌تر است اما این اثر که در قالب رمان نگاشته شده و فضایی داستانی دارد و مخاطب را درگیر خود می‌کند. این رمان باهدف انعکاس هنرمندانه ایثار و فداکاری کادر درمان در مقابله با کرونا نوشته شده است. این اثر از معدود رمان‌هایی است که در سطح کشور درباره شهدای مدافع سلامت نگاشته شده است.

برشی از کتاب:
فرصت برای زندگی مانند طلوع آفتاب است. اگر بیش از حد معطل بمانی، از دست می‌رود. صبح بخیر منظورش چه بود؟ انسان تا آخرین لحظه زنده بودنش فرصت زندگی دارد. حتی امتناع از زندگی هم نوعی زندگی است.



سلام بر آنان که شهیدانه زندگی کردند و غریبانه رفتند. چرا که شرط اول شهید شدن شهیدانه زیستن است؛ همان گونه که تو زیستی. تویی که حتی تاریخ شهادتت را نمی‌دانیم. نمی‌دانیم کدام لحظه از چندین سال اسارتت را به دیدار نگار رفتی. ۱۱ سال چیز کمی نیست در میان قفسی آهنین بودن و ایستادن به پای عقاید و آرمان‌های خود برای تویی که وقتی به فرمانده عراقی گفتی وزیر نفت جمهوری اسلامی هستی گفت: مگر جای وزیر وسط معرکه جنگه؟ ولی تو بودی در تمام معرکه‌ها پایه‌پای مردم بودی در جنگ، در سیل، در سختی. تو مسئول بودی، مسئولی مسئولیت‌پذیر. تو

خود را بالاتر از مردم نمی‌دیدی تو خود را خادم آن‌ها می‌دانستی. کاش بودی کاش امسال تندگویان‌ها و رجایی‌ها بودند تا درس مسئولیت را یاد می‌دانند و نشان می‌دانند که مسئول بودن یعنی چه. به راستی که کجایید ای مردان خدایی. بگو چقدر خالصانه به معبود خود نزدیک بودی که وقتی از شدت کشیدن اتو داغ تمام پوستت جمع و چروک شده بود باز از هم بندان تازه از راه رسیده‌ات تنها سراغ ایران را می‌گرفتی و دلواپس مردم بودی. آری تو هیچ چیز را برای خودت نمی‌خواستی. تویی که در روز مصاحبه کاریت حیا و عفتت را در مقابل نامحرم تعصب تلقی کردند و وجودت را در دسرخ خواندند. آری تو همیشه در دسرخ بودی

برای دشمنان و چه سعادت‌ی به از این؟ کمک کن تا صبوری و استقامت را در مکتب ولایت از تو یاد بگیریم. تو اسیرش شدی اما برای ما دعا کن تا اسیر نشویم. اسیر نفس سرکش خود. دعا کن تا شرمنده نشویم شرمنده چهره شکسته‌ات، سختی‌هایت، صبوری‌هایت و دل‌تنگت، از جان گذشتگی‌هایت و چشمان منتظری که در راه رسیدن یوسفشان به در خشک شدند. مقام معظم رهبری: بازگشت پیکر مطهر شهید تندگویان یاد شهدا را در ذهن ملت ایران زنده‌تر کرد خدا او را غریق رحمت کند و همچنان که غریبانه مجاهدت کرد و در راه خدا شهید شد ثواب و اجر شهدای غریب راه خدا را به او ارزانی بدارد.

فاطمه مصلی نژاد
کارشناسی علوم سیاسی



این حجم از ایمان را کجا می توان یافت؟ در چه کسی؟
 کدام یک از ما در چنین صحنه‌ای توان دفاع از ارزش‌هایمان را داریم؟
 کدام‌مان ایمان کافی برای ماندن بر سر قله اعتقاداتمان با احتمال سقوط را داریم؟
 آرمان علی‌وردی، شهید ۲۱ ساله‌مان، با تمام جوانی‌اش در دنیایی که فتنه از آسمان سیاه‌اش می‌بارد و بی‌ایمانی و سست ایمانی در میان مردمش موج می‌زند، غرق در ایمان شهید شد.
 به راستی که خدا او را از میان همه ما نشان کرده بود.
 خدا یاورانش را به خوبی می‌شناسد، می‌داند که در این صحنه کربلا چه کسی بازوی اولاد پیغمبر می‌شود، چه کسی پشت دینش را خالی نمی‌کند.



آرمان مظلومیتش، اقتدارش و ایمانش به مثال شهدای کربلا بود.
 همه ما که ادعای مسلمانی داریم باید بدانیم و آگاه باشیم که این روزها صحنه کربلا را در تک تک شهرهای کشور خودمان به وجود آوردند، فتنه زمان ما کم از فتنه آن دوران ندارد.
 در این روزها چه آرمان‌هایی که مظلومانه و مقتدرانه شهید نشدند.
 همه ما، همه کسانی که بر روضه امام حسین اشک می‌ریزند و بر سر و سینه می‌زنند، این روزها باید بر روضه آرمان‌ها اشک بریزند.
 ما باید در برابر فتنه‌ها سینه سپر کنیم و از آرمان‌هایمان دفاع کنیم، نگذاریم برای دومین بار پشت ولی‌مان خالی بماند، نگذاریم آرمان‌هایمان را از ما بگیرند.

نوع نگاه به زن در اسلام

فاطمه مرادپور جغدري
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

نوع نگاه به زن در اسلام با توجه بر نگرش متفکران اسلامی به زن
وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا:
و آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا است و خداوند به هر چیزی احاطه دارد (آیه ۱۲۶ سوره مبارکه نساء).

در بسیاری از آیات قرآن کریم به کرات در مورد قدرت، رحمت و مهربانی خدا صحبت شده است. خدایی که در طی دوران مختلف پیامبران و امامان خود را بی هیچ چشم‌داشتی برای هدایت و رستگاری انسان‌ها فرستاد، خدایی که هستی بی وجود او سرد و بی جان است، خدایی که خالق تمامی موجودات است و بر همه امور آگاه و دانا است.

متن اصلی: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ:

هرکس از مرد و زن ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهد به او حیات پاکیزه می‌بخشیم و پاداش آنها را بهتر از اعمالی که انجام داده‌اند خواهیم داد (آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل).

قرآن نمونه‌ای از یک الگوی بی‌مانند است که خداوند در آن در مورد انسان‌ها، راه و رسم زندگی سعادت‌مند، چگونه زیستن و... اشاره کرده است.

سعی ما بر این است که در این مطلب به نوع نگاهی که به زن در قرآن و از سوی متفکران و نظریه پردازان اسلامی وجود دارد، بپردازیم.

موضوعی که در چند دهه خصوصاً چند سال اخیر بسیار پر رنگ و داغ شده است این است که بین زن و مرد تبعیض وجود دارد و در برخی موارد شاهد ارجحیت مردان بر زنان هستیم.

قرآن کریم در این خصوص چنین می‌گوید: دلیل برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر جنسیت آن‌ها نیست بلکه تقوایی است که هر کدام از آن‌ها پیشه می‌کنند. هرکس با ایمان‌تر باشد، نزد خدا از احترام بیشتری برخوردار است. ماهیت حقیقی

می‌شود معتقدند تنها تفاوت بین زن و مرد، از نظر خصوصیات روانی (عاطفی)، جسمی و فیزیکی است و طبق آیات قرآن تنها ملاک تفاوت بین زن و مرد، ایمان و عمل صالح آن‌هاست.

امام خمینی (ره) جز طرفداران این نوع نگرش بودند و دیدگاه خود را اینگونه بیان می‌کنند: حفظ حجاب از سمت زن در حفظ امنیت خانواده ضروری است. زنان با بهره‌گیری از عفت و منزلت بی‌مانند حضرت فاطمه زهرا (س) می‌توانند در اجتماعات حضور پیدا کنند و فعالیت داشته باشند.

گروه سوم نظریه پردازان دیدگاه‌شان بر این است که اگر چه زنان در حال حاضر نسبت به گذشته وضعیت بهتری دارند اما همچنان از برخی حقوق اساسی و طبیعی خود محروم هستند. در نتیجه باید بازخوانی در این خصوص انجام گیرد و در مورد نوع نگاه قانون به حقوق زنان تجدید نظری انجام گیرد.

زنان مخلوقاتی بالاتر از معجزه هستند که به دنیا و زندگی رنگ آرامش و خوشبختی می‌بخشند. در طول تاریخ نوع نگاه به زن با یکدیگر متفاوت یا بعضاً متعارض بوده است که در خطوط فوق به شکل مفصلی در مورد آن‌ها صحبت شد. نکته‌ی مهمی که باید در قسمت انتهایی این متن به آن اشاره کرد این است که زن و مرد هر دو آفریده‌ی خدا هستند.

خدا در قرآن کریم به صراحت ذکر کرده است که هیچ تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد مگر در میزان تقوا و ایمانی که باعث برتری آن‌ها نسبت به یکدیگر می‌شود. بنابراین باید هر گونه دیدگاه نادرست مربوط به تفاوت بین زن و مرد را کنار گذاشت و از آیات ارزشمند و گرانبه‌ی قرآن بهره‌مند شد.

بارالها اگر خسته شدم تو دستم را بگیر اگر نا امید شدم تو امیدوارم کن اگر بی راه رفتم تو هدایت کن. با کسب اجازه از محضر حضرت حق و امام زمان (عج) این متن را به همه‌ی دختران و زنان قدرتمندی تقدیم می‌کنم که در برابر سختی‌ها و مشکلات زندگی سر خم نمی‌کنند و در تربیت و پرورش افتخار آفرینان آینده، مهمترین نقش...

اسلام به گونه‌ای است که بین زن تفاوت و تبعیضی قائل نیست و مرد را به دلیل مرد بودن بر زن برتر نمی‌داند. تفکر برتر بودن مرد بر زن جزء تفکرات قدیمی و پوسیده‌ی دوران عرب جاهلیت است که بر طبق آن دختران را زنده به گور می‌کردند و متاسفانه تا مدت‌های بسیار زیادی رواج داشته است.

اهمیت این موضوع متفکران اسلامی را بر آن داشت تا در این مورد به نظریه پردازی بپردازند.

گروه اول که بعد از انقلاب مشروطه به شکل جدی به بحث و بررسی در این مورد پرداخته‌اند اعتقادشان بر این بود که زن وظیفه دارد به انجام کارهای خانه و اداره امور مربوطه بپردازد و دلیلی بر حضور زنان در خارج از خانه وجود ندارد. چنین دیدگاهی توسط برخی افراد و نظریه پردازان مورد نقد قرار گرفته است زیرا از نظر آن‌ها زن همانند مرد یک انسان است و انجام فعالیت در خارج از خانه جز حقوق اوست و چنین نگرشی منسوخ است.

گروه دوم متفکران اسلامی که افرادی همچون آیت... جوادی آملی، شهید مطهری و علامه طباطبایی را شامل

دیدارنگار

فاطمه مددی
کارشناسی حقوق



گزارشی از دیدار با خانواده معظم
شهیدان روزی طلب
شنیدنی هایی از زبان همسر
گرامی شهید محمد جواد
روزی طلب:

شهید محمد حسن روزی طلب، شهید
اول خانواده، شهیدی که با وجود فراهم
بودن تمامی امکانات مادی و وجود
فضای مناسب برای تحصیل و... وارد
سپاه و جنگ میشه و در عملیات فتح
المبین، منطقه زرد شوش به شهادت
می‌رسد.

شهید محمد حسن وقتی که به
شهادت میرسد، جزو گروه خط شکن
بوده در عملیات فتح المبین و فرمانده
گردان شان شهید غلامرضا سلطانی بود.
عملیات فتح المبین در منطقه دشت
آزادگان انجام شد، بعد از عملیات ثامن
الائمه وطریق القدس، تقریباً سومین

عملیاتی بوده که بعد از شروع جنگ
انجام شد.

در دوران جنگ شهید غلامرضا سلطانی
و شهید محمد حسن به عنوان فرمانده
و معاون فرمانده گردان، برای روی مین
رفتن با هم دست به یقه میشدند.

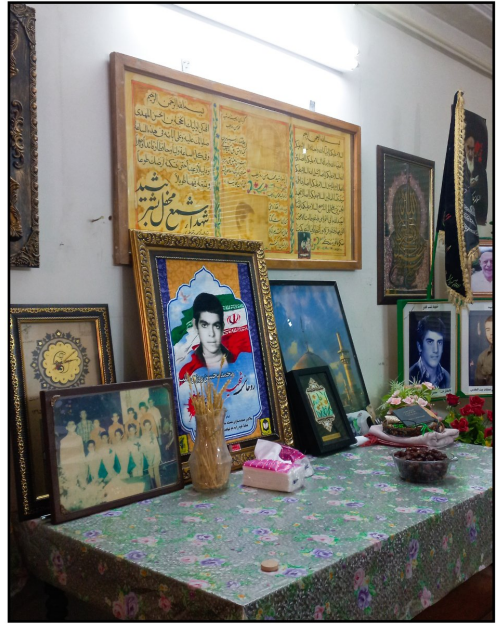
یک جوان ۲۱ ساله و یک جوان
۲۳ ساله، در اوج جوانی و دوست
داشتنی‌های دلبرانه، برای روی مین
رفتن باهم دعوا میکنند. آخرش شهید
سلطانی به شهید روزی طلب میگوید
که من فرمانده تو هستم و به تو دستور
می‌دهم که بروی کنار. در این دست به

بچه شدن، دکمه پیراهن شهید روزی
طلب کنده شد و شهید فقط به خاطر
اینکه باید از فرمانده اش اطاعت کند،
کنار میاد و شهید سلطانی خودش رو
روی مین غلت می‌دهد و معبر باز میشود و
بچه‌ها راه را ادامه میدهند و شهید محمد
حسن موقع فرمانده شد و گردان رو پیش
می برد.

شهید محمد حسن بر اثر اصابت ترکش
خمپاره، به شهادت میرسد.

این اتفاقات در زمان عید می افتد. موقع
عید در محل جنگ در اثر بارش باران و
طوفان شن، پیکر شهدا زیر خاک گم
می‌شود.





شهيد محمد حسن روزي طلب وصيت نامه بسيار زيبايي دارد که من يک قسمت از وصيت نامه را براي تان ميخوانم: همه عشق هارا از سينه بيرون کنيد الا عشق حق را که مایه جاودانگي است، زيرا عشق حق را جز در سينه‌اي که پاک و خالص باشد نمی توان گنجانند و بعد از شهادتم به خدمت حضرت امام برسيد و به ايشان بگوييد که از اين جهت که شما را نديدم، ناکام از دنيا رفتم. ۱۶ فروردين، شهيد محمد حسن به خاک سپرده شد و خدائش را ملاقات کرد

که يک يادداشت توی جيب شهيد محمد حسن هست. توی يادداشت نوشته شده بوده که: شايد امروز خدا را ملاقات کردم، با محبوبم دیدار داشتم، در راه او جان دادم و فدای فی الله شدم. الله و يعلم محمد حسن روزي طلب، اعزامی از شیراز

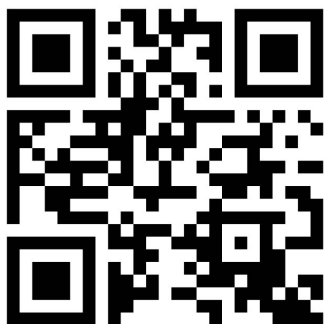
حميد می گوید: بچه‌ها بيان محمد حسن، داداش جواد و خلاصه منطقه را واکاوی ميکنند و پيکر ۹ شهيد رو پيدا می کنند.

۲ فروردين شهيد می شونند و ۱۱ فروردين موقعی که آن منطقه کامل آزاد شده بود، لودرها برای سنگر سازی میان. برادر من شهيد عبد الحميد کنار يک سنگر داشته نماز ميخوانده، وقتی که لودرها پايين میان و گل ها رو کنار ميزنند، پوتيني پيدا می شود. بعد سريع برادرم عبد الحميد می آيد و ميگويد دست نگهداريد، دست نگهداريد. بقيه گل ها رو کنار ميزند و بعد با يه پيکر رو به رو می شنونند که صورتش را شل پوشانده بوده بعد از روی پلاکش که ميخوانند می فهمند که شهيد محمد حسن هست. برادرم جيب شهيد را باز ميکند و ميپيند



جای قلم‌های شما در دیدار خالی‌ست، پذیرای آثار و دست‌نوشته‌های گرانقدرتان هستیم. همچنین نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما مایه‌ی مسرت ما و ارتقاء نشریه خواهد بود.

برای ارتباط با ما کافی‌ست کد زیر را اسکن کنید



ای خوش آن ہا کہ دمی لایق دیدار شدند...